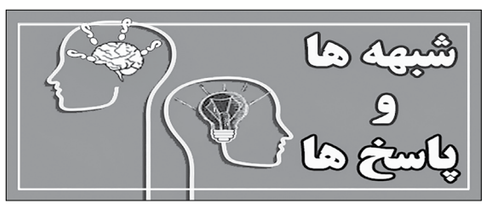

قرآن و سؤالات نابجا

*** چرا در آیه ۱۰۱ سوره مائده خداوند از پرسیدن برخی سؤالات نهی کرده است؟**

- قبل از هرچیز لازم است ترجمه آیه را بیان کنیم:

« ای کسانی که ایمان آورده اید، از مسائلی سؤال نکنید که اگر برای شما آشکار شود،شما را ناراحت می‌کند و اگر به‌هنگام نزول قرآن از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می‌شود.

خداوند آنها را بخشیده است و خداوند آنها را بخشیده (و نادیده گرفته) است و خداوند آمرزنده و بردبار است.»[1]

شأن نزول:

در شأن نزول آیه فوق آمده است که «روزی پیامبر ـ صلّی الله علیه و آله ـ برای مردم از دستور خدا درباره حج سخن می گفت. شخصی به نام عکاشه گفت:

آیا دستور انجام حج، برای هر سال است؟ پیامبر به سؤال او پاسخ نگفت، ولی او لجاجت کرد و سه مرتبه سؤال خود را تکرار کرد.

پیامبر فرمود: «وای بر تو! چرا این همه اصرار می کنی؟ اگر در جواب تو بگویم: بلی. حج در همه سال برای شما واجب می شود و اگر در همه سال واجب بشود؛ توانایی انجام آن را نخواهید داشت و اگر با آن مخالفت کنید؛ گناهکار خواهید بود؛ لذا در دستورات الهی از روی لجاجت سؤال نکنید و یکی از اموری که سبب به هلاکت رسیدن اقوام گذشته شد، پر حرفی و لجاجت آنها بود.»[2]

قرآن، همگان را به پرسشگری و دانستن دعوت می‌کند و می‌فرماید: از اهل اطلاع بپرسید. سؤال، کلید فهم حقایق است و به همین دلیل کسانی که کمتر می پرسند، کمتر می دانند، ولی از آنجا که هر قانونی معمولاً استثنایی دارد، این اصل تعلیم و تربیت نیز استثنائی دارد و آن اینکه پاره ای از مسائل، پنهان بودنش برای حفظ نظام اجتماع و تأمین مصالح افراد بهتر است. در این گونه موارد جست‌وجوها و پرسش‌های پی در پی برای پرده برداشتن از روی واقعیت مذموم و ناپسند است.

سؤالات نابجا:

منظور از شأن نزول فوق این نیست که راه سؤال و پرسشگری را به روی مردم ببندد، بلکه منظور سؤال‌های نابجا و بهانه گیری‌هایی است که غالباً سبب مشوش شدن اذهان مردم و موجب مزاحمت گوینده و پراکندگی رشته سخن و برنامه او می شود.

قرآن، همگان را به پرسشگری و دانستن دعوت می کند: «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»[3]؛ از اهل اطلاع بپرسید. سؤال، کلید فهم حقایق است و به همین دلیل کسانی که کمتر می پرسند، کمتر می دانند، ولی از آنجا که هر قانونی معمولاً استثنایی دارد، این اصل تعلیم و تربیت نیز استثنائی دارد و آن اینکه پاره ای از مسائل، پنهان بودنش برای حفظ نظام اجتماع و تأمین مصالح افراد بهتر است.

در این گونه موارد جست‌وجوها و پرسش‌های پی در پی برای پرده برداشتن از روی واقعیت مذموم و ناپسند است.

برای مثال، پزشکان، بیماری‌های سخت و لاعلاج را از بیمار پنهان می کنند. شخص بیمار اگر از عمق بیماری خود آگاهی داشته باشد؛ گرفتار وحشتی می شود که اگر کشنده نباشد؛ بهبودی او را به تأخیر می اندازد. اصرارهای بیمار برای پی بردن به مریضی خود، مذموم و ناپسند است.

ممکن است گفته شود: اگر افشای این امور بر خلاف مصلحت مردم است؛ چرا با اصرار، افشاء می شود؟ در پاسخ باید گفت: اگر رهبر جامعه در مقابل سؤالات پی در پی و از روی لجاجت بعضی‌ها سکوت کند، مفسده‌های زیادی در پی دارد و سوء ظن‌هایی را بر می انگیزد و باعث مشوب شدن اذهان مردم می شود. لذا برای فرار از آن به پاسخگویی از مسئله ای می پردازد که کتمان آن بهتر بود. در آیه بعد برای تأکید این مطلب می گوید:

بعضی از اقوام پیشین این گونه سؤالات را داشتند و به دنبال پاسخ آنها به مخالفت برخاستند؛ مانند: بنی اسرائیل که دستور داده شد گاوی را ذبح کنند،ولی آنها با سؤالات پی در پی و لجاجت،کار را برای خود سخت گرفتند.[4]

آنچه در این آیه خداوند نهی کرده سؤال از مسائلی است که اسباب عادیِ خود را طی می کند یا از چیزهایی که در پس پرده غیب قرار گرفته است،مثلاً: روز مرگ ما چه زمانی است؟ آینده ما چگونه است؟ و...

پاسخ به تمامی موارد سبب ملامت و ناراحتی پرسشگر می شود، لذا خداوند متعال از پرسش‌های این چنینی نهی کرده است.[5]

---

۱. مائده/۱۰۱.
۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه.
۳. نحل/۴۳.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۹۶.
۵. ر.ک: طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، قم، بنیاد عملی و فکری علامه، ج ۶، ص ۲۳۶.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خمس سرمایه و ابزار کار

س) مقداری پول برای خرید ابزار کار پس‌انداز کرده‌ام اما اگر خمس آن را بپردازم، توانایی خرید را از دست خواهم داد؛ تکلیف چیست؟

ج) اگر پول پس‌انداز شده از درآمد کسب باشد در فرض سؤال مشمول خمس است اما اگر قبل از سررسید سال خمسی، ابزار کار را خریداری کنید و مجموع سرمایه شما به اندازه‌ای باشد که اگر خمس آن را بپردازید، درآمد حاصل از باقی مانده سرمایه، برای مخارج زندگی کافی نباشد، سرمایه شما خمس ندارد.

شرایط فقیر برای دریافت کفاره

س) چه کسی فقیر محسوب می‌شود و برای دریافت کفاره، چه شرایطی باید داشته باشد؟

ج) فقیر کسی است که مخارج سال خود و خانواده‌اش را ندارد و نمی‌تواند به دست آورد؛ برای پرداخت کفاره به فقیر شرایط زیر باید مراعات شود:

۱- مسلمان باشد (پرداخت کفاره به غیر شیعه در صورتی که از نظر اعتقادی مستضعف بوده و ناصبی نباشد، اشکال ندارد).

۲- از کسانی نباشد که حیایی در ارتکاب گناه نداشته و آشکارا آن را مرتکب می‌شوند.

۳- از کسانی نباشد که نفقه او بر کفاره‌دهنده، واجب است.

مصرف داروی سقط جنین با احتمال بارداری

س) آیا زنی که احتمال می‌دهد باردار است، جایز است که دارویی برای سقط جنین مصرف کند؟

ج) در صورتی که احتمال می‌دهد باردار باشد، باید اجتناب کند.

صیانت فرزندان از گناه

س) آیا بر ولیّ کودک لازم است که کودک را از مشاهده تصاویر مبتذل و زشت حفظ کند و اگر خواست ببیند، مانع او شود؟

ج) بله، لازم است.

اختلاف و آثار آن از نگاه قرآن

محمدرضا تفرشی

اجتماع کامل برآیندی از وحدت در هدف و روش است؛ هر گونه اختلاف وتنازع میان افراد جامعه در هدف و روش به معنای نابودی اجتماع و دست کم ذلت و خواری مردمان است. از همین رو در آموزه‌های قرآنی به مسئله اختلاف امت توجه ویژه‌ای شده و آن را مانع جدی در سر راه تحقق اجتماع آرمانی و اهداف آن دانسته و با بیان عوامل ایجادی و شیوه‌ها و روش‌های درمانی به مقابله جدی با آن پرداخته است. نویسنده در این مطلب به عوامل و آثار و نیز راهکارهای جلوگیری از معضل اجتماعی اختلاف از نگاه قرآن پرداخته است.

***

آثار اختلاف اجتماعی

اختلاف به معنای ناسازگاری(لغت‌نامه، دهخدا، ذیل واژه اختلاف.) و انتخاب راهی غیر از راه دیگران در حالت یا گفتار است. از آنجا که اختلاف در گفتار، گاهی به تنازع می‌انجامد؛ این واژه در منازعه و مجادله نیز به‌کار رفته است.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ذیل واژه خلف)

اصولا ارتباطات و روابط اجتماعی به دلیل برآوردن نیازهای یکدیگر ایجاد می‌شود.اگر بده و بستان در ساختار عدالت انجام گیرد، هر کسی به میزان مساوی از این ارتباطات بهره مند می‌شود. پس اگر این بده و بستان در اساس موازین و معیارها از همترازی برخوردار نباشد، یک‌سوی معامله احساس زیان می‌کند و همین امر موجب اختلاف میان افراد می‌شود.

از نظر اسلام هر چند بنیاد روابط اجتماعی همانند بده و بستان تجاری باید بر اساس موازین عدالت باشد؛ اما از آنجا که انسجام و اتحاد اجتماعی در یک سطح بالاتر باید میان مسلمانان برقرار شود، بر احسان در مرتبه متوسط و اکرام در مرتبه برتر تاکید شده است. بر این اساس گاه از افراد خواسته می‌شود به سبب برادری ایمانی از حق خویش بگذرند و گاه در مرتبه برتر از ایشان خواسته می‌شود تا نه تنها بگذرند (بقره، آیات ۱۰۹ و ۲۳۷؛ مائده، آیه ۱۳؛ حجر، آیه ۸۵؛ زخرف، آیه ۸۹)، بلکه ایثار کنند و لقمه را از دهان خود در آورده به دیگری بدهند.(حشر، آیه ۹؛ انسان، آیه ۸؛ فرقان، آیه ۷۲) با این همه اگر کسانی حاضر به گذشت از حقوق خود یا ایثارگری نشدند، باید بر اساس موازین عدالت رفتار کنند و حق و حقوق دیگران را به تمام و کمال ادا نمایند تا ارتباطات اجتماعی موجب تنش و اختلاف نشود.

اختلاف ممکن است میان دو شخص یا گروه ایجاد شود. البته اختلافات اجتماعی در گستره بزرگی ایجاد می‌شود و به طور طبیعی تاثیرات منفی بیشتر، بزرگ‌تر و ژرف‌تری به جا می‌گذارد.

در آیات قرآن اختلاف آرا و عقاید به عنوان مقوله‌ای اجتماعی مورد نظر بوده و از واژه‌های «اختلاف»، «تفرّق»، «تنازع»، «تقطّع»، «تخاصم»، «اصلاح ذات‌البین» و مانند آنها استفاده شده است.

از نظر قرآن، اختلافات اجتماعی که به تفرقه و تنازع و خصومت ختم می‌شود، می‌تواند آثار مخرب و زیانباری بر اجتماع بگذارد و مسلمانان را با خطر نیستی و تشتت مواجه سازد. برخی از آثاری که قرآن برای خصومت و اختلافات اجتماعی بیان کرده است عبارتند از:

۱. انحراف: اختلافات گاه در روش‌ها و گاه در اهداف، میان افراد اجتماع پدید می‌آید. از آنجا که آموزه‌های قرآن اهداف و فلسفه زندگی اجتماعی را مشخص و معین کرده، برای رسیدن به آنها نیز شیوه‌هایی را بیان کرده است. در حقیقت شریعت را باید روش و شیوه دستیابی به اهداف متعالی دانست که برای انسان در اسلام تعریف شده است. به سخن دیگر، فلسفه و سبک زندگی در قالب آموزه‌های معرفتی و دستوری قرآن بیان شده است و هر فرد از افراد امت باید آن را مد نظر قرار دهد. بر این اساس، کسانی که در عمل اجتماعی با هم اختلاف می‌کنند باید گرفتار یکی از دو انحراف در هدف یا روش باشند؛ به این معنا که یا فلسفه و هدف زندگی اسلامی را نمی‌شناسند یا نمی‌پذیرند یا سبک و روش دستیابی به آن را نمی‌شناسند یا نمی‌پذیرند. در هر دو حالت باید این دسته از افراد را جزو گروه‌های منحرف دانست و آنان را به مسیر درست هدایت کرد. کسانی که فلسفه زندگی اسلامی و قرآنی را نمی‌شناسند یا نمی‌پذیرند و نیز کسانی که حاضر نیستند بر اساس سبک زندگی اسلامی این اهداف را به دست آورند، گروه‌های منحرفی هستند که موجب اختلاف در امت می‌شوند. خداوند در آیات قرآن گزارش می‌کند که بسیاری از گذشتگان به سبب انحراف در اهداف و روش‌های الهی در فلسفه و سبک زندگی، از حق دور شدند و امت ایشان دچار اختلافات بسیار شده و آسیب‌های جدی دیدند.

۲. بی‌شوکتی: اجتماعی که گرفتار تنازع و اختلاف باشد و بر اساس تعالیم قرآن از رهبری الهی اطاعت نکند و نسبت به ولی‌الله طغیان کند، گرفتار شکست می‌شود به طوری که آثاری از این اجتماع باقی نمی‌ماند؛ زیرا با اختلافات در یک اجتماع، مردم از هم دور می‌شوند و انسجام اجتماعی خود را از دست داده و دشمنان بر ایشان چیره می‌شوند. فقدان عزت و شوکت و از بین رفتن اُبهت مؤمنان و مسلمانان، در پی اختلاف و درگیری با یکدیگر یک حقیقت و سنت الهی است. باید این سنت‌های اجتماعی را شناخت و از آنها پرهیز کرد.(انفال، آیه ۴۶) از نظر قرآن اگر مردم در هنگام اختلاف به رهبران الهی مراجعه کنند یا به اصول الهی پایبند باشند و خدا و رسول را در نظر بگیرند هرگز گرفتار اختلافات نابودگر و زیانبار نخواهند شد.(نساء، آیه ۵۹)

۳. جنگ: جنگ داخلی میان افراد اجتماع به دنبال اختلافات در عقاید یعنی در اهداف و روش‌ها از پیامدهای خسارتبار و نابودکننده‌ای است که اختلافات اجتماعی موجب می‌شود. از نظر قرآن جنگ و خونریزی، پیامد اختلاف در دین و بدگویی انسان‌ها درباره یکدیگر است؛ پس کسانی که این روش را در زندگی اجتماعی در پیش می‌گیرند باید منتظر عواقبی چون نزاع و خونریزی میان خودشان باشند.(انعام، آیه ۶۵) در حدیثی از امام صادق(ع) جمله «او یلبسکم شیعاً» به اختلاف در دین و بدگویی افراد درباره یکدیگر، و جمله «و یذیق بعضکم بأس بعض»، به کشتن یکدیگر تفسیر شده است. (تفسیرقمی، ذیل آیه؛ نورالثقلین، ذیل‌آیه)

۴. فقدان الفت قلبی و نابودی انسجام اجتماعی: بی‌گمان الفت و تالیف قلوب مردم جامعه را به سمت تعالی و سعادت دنیوی و اخروی سوق می‌دهد. اما شعله‌ور شدن آتش نزاع و جنگ ناشی از اختلاف‌های اجتماعی، این انسجام اجتماعی و الفت میان قلوب افراد جامعه را از میان می‌برد و تباهی را برای آنان رقم می‌زند. (آل عمران، آیه ۱۰۳) البته برداشت فوق بنابراین است که مقصود از «النّار»، آتش جنگ و نزاع باشد، نه‌آتش دوزخ. (المیزان، ذیل‌آیه)

۵. دشمنی: ستیز میان اهل توحید و نیز طوائف مذهبی به سبب اختلاف در محتوای کتب آسمانی و مفاهیم آن می‌تواند پیامدی دیگر برای اختلافات باشد که در قرآن به آن توجه داده شده است.(بقره، آیه ۱۷۶)باید توجه داشت که «شقاق» به معنای مخالفت و طلب چیزی از روی دشمنی است که سبب مشقّت برای دیگری می‌شود. (مفردات‌راغب؛ مجمع‌البیان، ذیل آیه) پس کسانی که در مفاهیم و محتوای قرآن اختلاف می‌کنند باید خود را آماده دشمنی کنند که نتیجه آن وضعیت امروز مسلمانان و زبونی آنان در برابر مستکبران و ظالمان جهانی است.

۶. ذلّت و خواری: اگر اتحاد و الفت و همبستگی و انسجام، مایه عزت مؤمنان و مسلمانان است؛ اختلاف و تنش‌ها چیزی جز خواری و ذلت برای آنان در دنیا به همراه نخواهد داشت. (بقره، آیات ۸۳ تا ۸۵) خداوند در این آیات از رویگردانی اکثریت بنی‌اسرائیل با وجود اوامر وحدت‌بخش خدا و قتل و اخراج تعدادی از آنان به وسیله گروهی دیگر سخن گفته است. این مسائل، بیانگر وجود اختلاف میان آنان بوده است که جز تباهی و خواری برای آنان بهره و سودی نداشته است. برهمین اساس و برای عبرت گیری، خداوند بشدت با هر گونه اختلاف و عوامل آن برخورد می‌کند تا امت خوار و ذلیل نشوند؛ اما مسلمانان به این آموزه‌های قرآن بی‌توجهی کرده و خود را به دست خود خوار و ذلیل می‌سازند. از نظر قرآن اختلاف و نزاع، باعث خفّت و ذلّت در دنیا است و باید از آن پرهیز کرد.(همان)

۷. سستی: اختلاف در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی آثار زیانبار خود را نشان می‌دهد؛ از نظر قرآن یکی از مهم‌ترین عوامل سستی مجاهدان در برابر دشمنان اختلافات درونی آنان است. در حقیقت بروز سستی مؤمنان در پیکار با دشمنان، بر اثر اختلاف و نزاع با یکدیگر است که باید از آن پرهیز کرد؛ زیرا سستی و ضعف در مجاهدان و رزمندگان موجب گستاخی دشمن و سلطه وچیرگی آنان خواهد شد.(انفال، آیات ۴۵ و ۴۶) خداوند گزارش می‌کند که شکست مسلمانان در غزوه اُحد، بر اثر سستی و اختلاف در امر جنگ بود که در میان آنان رخ داده بود.(آل عمران، آیه ۱۵۲؛ روایات تفسیری، مجمع البیان، ذیل آیه)

۸. گمراهی: کسانی که گرفتار اختلاف اجتماعی هستند از مسیر اصلی کمال و آموزه‌های هدایتی وحی دور می‌شوند و فلسفه و سبک زندگی آنان تغییر منفی پیدا می‌کند و در مسیر گمراهی قرار گرفته و به دوزخ آخرت و شقاوت دنیا گرفتار می‌شوند. از نظر قرآن گمراهی و فاصله گرفتن از راه خدا، نتیجه تفرقه و پیروی از راه‌های گوناگون است. اختلافات امت در پی رفتن به راه‌های گوناگون و نادرست، موجب می‌شود که گمراه شوند و هرگز رنگ هدایت را به خود نبینند. (انعام، آیه ۱۵۳)

علل و عوامل اختلاف

ریشه اصلی اختلاف در هواهای نفسانی درونی و وسوسه‌های شیطانی نهفته است که به اشکال مختلف بروز می‌کند که برخی از آنها موارد زیر است:

۱.تحزب گرایی: خداوند در آیاتی از قرآن بر این نکته تاکید دارد که هر گروهی به اهداف و روش‌های خود دلبسته است و رفتاری هیجانی نسبت به آن بروز می‌دهد. از این رو خود این امور عامل اختلاف میان مردم می‌شود و انسجام و اتحاد اجتماعی را از میان می‌برد.(مؤمنون، آیه ۵۳؛ روم، آیه ۳۲؛ مریم، آیه ۳۷؛ زخرف، آیه ۶۵)

۲.اختلاف برداشت‌ها: از دیگر عوامل مؤثر در اختلاف در میان مردم، اختلاف برداشت‌ها از نصوص آموزه‌های وحیانی و قوانین مکتوب است؛ چنان‌که برخی از یهودیان از اصحاب سبت بر این باور بودند که محدودیت برای ماهیان روز شنبه و گرفتن آنان در روز یکشنبه مصداق ماهیگیری در روز شنبه نیست. لذا با برداشت‌های گوناگون زمینه اختلاف در امت یهودی پدیدار شد و مردم به سه گروه ماهیگیر، مخالف و بیطرف تبدیل شدند.(اعراف، آیات ۱۶۳ و ۱۶۴؛ نحل، آیه ۱۲۴)

۳.اختلاف افکنان: برخی از افراد در جامعه از اختلاف سود می‌برند و با ایجاد اختلاف می‌توانند به مقاصد مادی و دنیوی خود دست یابند. اینان با استفاده از هر ابزاری بر آن هستند تا اختلافات در میان مردم پدیدار شده و از آن بهره‌برداری کنند؛ چنان‌که برخی از یهودیان تحت وسوسه‌های شیاطین به اختلافات میان همسران رو آورده و از آن برای درآمد سود می‌جستند.(بقره، ایه ۱۰۲)

۴. همانند سازی: از دیگر علل و عوامل ایجادی اختلافات اجتماعی، همانندسازی است. به این معنا که برخی از افراد با همانند سازی تلاش می‌کنند تا گروهی را دور خود جمع کرده و از مسیر راست و درست دور سازند؛ چنان‌که مشابه‌سازی مسجد از سوی منافقان از جمله موجبات اختلاف در امت اسلام بوده است.(توبه، آیه ۱۰۷)

۵.گذشته گرایی و بیان خاطرات تلخ گذشته: برخی از افراد با استفاده از گذشته گرایی موجب اختلاف اجتماعی می‌شوند؛ بیان شکست‌ها و خاطرات تلخ گذشته گاه انگیزه می‌شود تا دیگران تحریک به آشوب و فتنه شوند؛ چنان‌که برخی از منافقان با استفاده از این سازوکار میان اوس و خزرج جدایی افکندند.(آل عمران، آیات ۹۳ تا ۹۹؛ و روایات تفسیری)

۶.حسادت: یکی از عوامل اختلاف میان افراد جامعه، وجود حس حسادت است. البته برخی از حسودان که چشم دیدن وحدت و اتحاد دیگران را ندارند در این امر پیشگام می‌شوند؛ چنان‌که یهودیان این‌گونه نسبت به اتحاد امت اسلام واکنش نشان دادند و زمینه اختلاف و درگیری در میان امت را موجب شدند.(بقره، آیه ۲۱۳؛ آل عمران، آیه ۱۹) از نظر قرآن حسادت، منشأ اختلاف‌های آگاهانه و انکارآمیز در امر دین اسلام می‌شود که در طول تاریخ اتفاق افتاده است.(آل عمران، آیه ۱۹؛ شوری، آیه ۱۴؛ جاثیه، آیات ۱۷)

۷.اختیار و اراده انسانی: انسان موجودی دارای اراده و حق اختیار است. طبیعت مختار بودن انسان، منشأ پیدایش منازعات و تفرقه است.(بقره، آیه ۲۵۳؛ هود، آیه ۱۱۸)

۸.ترس: از دیگر عوامل اختلاف، ترس و نگرانی است. به عنوان نمونه ترس حاصل از قدرت وشمار انبوه دشمن در کارزار، زمینه بروز اختلاف و نزاع مجاهدان در امر جهاد می‌شود. (انفال، آیات ۴۲ و ۴۳)

۹.جادو: از دیگر عوامل اختلاف بهره‌گیری از جادو و سحر است که برخی‌ها از آن برای ایجاد اختلافات اجتماعی به‌ویژه میان همسران بهره می‌برند؛ قرآن گزارش می‌کند که جدایی انداختن میان زن و شوهر، به وسیله سحر و جادو در سرزمین بابل متداول بوده است.(بقره، آیه ۱۰۲)

۱۰.جهل: جهل به مسائل خود، عامل اختلاف میان اقشار مختلف است.(بقره، آیه ۱۱۳؛ نساء، آیه ۱۵۷) البته سفاهت و بی‌خردی نیز عامل دیگری است که باید آن را نیز مد نظر قرار داد.

۱۱.دنیاطلبی: دنیاطلبی و غنیمت‌خواهی، عامل اختلاف و دودستگی میان مؤمنان و مجاهدان است.(آل عمران، آیه ۱۵۲)

۱۲.شک: شک در حق، زمینه اختلافِ انکارآمیز در حقایق دین می‌شود و در مقام اجرا نیز تردید را موجب شده و مردم را به اختلاف می‌کشاند.(هود، آیه ۱۱۰؛ فصلت، آیه ۴۵)

۱۳.شیطان: از عوامل مؤثر بیرونی در ایجاد اختلافات اجتماعی میان مردم، شیطنت ابلیس است. (اسراء، آیه ۵۳) چنان‌که جدایی یوسف(ع) از برادرانش، بر اثر فتنه‌گری شیطان بوده است (یوسف، آیه ۱۰۰) و شیطان با ابزارها و روش‌های گوناگون در ایجاد اختلاف میان مردم تلاش می‌کند.(مائده، آیه ۹۱)

۱۴.بی خردی و سفاهت: نابخردی و سفاهت، عامل اختلاف‌های درونی و قلبی است و انسان را به سمت اختلافات اجتماعی سوق می‌دهد.(حشر، آیه ۱۴)

۱۵.نفاق: نفاق اجتماعی موجب تفرقه و اختلاف میان مردم است؛ چنان‌که منافقان، درصدد ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان با ساختن مسجد ضرار و تمسّک به مقدساتِ آنان بودند. (توبه، آیه ۱۰۷)

راهکارهای اتحاد و رهایی از اختلاف

بی گمان حفظ اتحاد بهترین روش است؛ اما اگر مردم دچار اختلاف شدند، باید عوامل آن شناسایی و بر اساس علل و عوامل به درمان آن اقدام کرد.

از آنجا که مرجع حل اختلاف باید مشخص شود، به نظر می‌رسد که بهترین راهکار درمانی مراجعه به خدا در این امور است که عالم به حقایق است و توانایی رفع و دفع اختلاف را دارد. خداوند بصراحت در آیه ۵۹ سوره نساء بر لزوم مراجعه به خدا و رسول (ص) یعنی کتاب و عترت(ع) برای حلّ اختلاف‌ها توجه می‌دهد. از نظر قرآن حکم خدا، مرجع نهایی حل اختلاف‌های انسان‌ها و جوامع است (بقره، آیه ۲۱۳؛ شوری، آیه ۱۰؛ نساء، آیه ۵۹؛ نور، آیه ۵۱) از آنجا که مظهریت این داوری پیامبران هستند(انبیاء، آیه ۷۸؛ زخرف، آیات ۵۹ و ۶۳)، پیامبر اکرم(ص) و عترت طاهره(ع) به عنوان مرجع رسیدگی بشمار می‌روند. این در حالی است که منافقان حاضر به پذیرش حکمیت و مرجعیت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نمی‌شوند. قرآن در چند آیه خودداری منافقان از مراجعه به حکم خدا و رسول(صلی الله علیه وآله)، در حلّ اختلاف‌های خود را بیان کرده است.(نساء، آیات ۵۹ تا ۶۱؛ نور، آیات ۴۷ و ۴۸) منافقان به جای مراجعه به اولیای الهی به طاغوت مراجعه می‌کنند و آنان را مرجع نزاع و اختلافات اجتماعی خود قرار می‌دهند.(نساء، آیه ۶۰)

از نظر قرآن کتب آسمانی از جمله قرآن بهترین منبع و مرجع برای داوری حل اختلافات است.(نساء، آیه ۱۰۵؛ بقره، آیه ۱۱۳؛ نحل، آیه ۶۴) بر این اساس برای حل مشکلات و اختلافات باید به کتب آسمانی به عنوان معیارها و قوانین الهی مراجعه کرد و امید به این داشت تا خداوند با آن مردم را به اتحاد برساند؛ چنان‌که رهایی اوس و خزرج از آتش اختلاف و دشمنی در سایه عنایت و لطف خداوند(آل عمران، آیه ۱۰۳) با پیروی از پیامبر(ص) و قرآن اتفاق افتاد. از همین رو رجوع به پیامبر(ص) برای حلّ اختلاف‌ها، امری لازم و از نشانه‌های ایمان دانسته شده است.(نساء، آیات ۵۹ و ۶۵) و لزوم تسلیم و انقیاد در برابر داوری پیامبر اسلام(ص) در حلّ اختلاف‌ها و نزاع‌ها باید همواره مد نظر قرار گیرد.(همان؛ نور، آیه ۵۱)

از نگاه قرآن حل اختلاف میان افراد جامعه دینی از وظایف پیامبر(ص) است.(نساء، آیه ۱۰۵) و پس از ایشان برای حل اختلافات باید به ائمه معصوم(ع) مراجعه کرد.(نساء، آیه ۵۹؛ انفال، آیه ۱)

امروز نیز مراجع تقلید و علمای عظام به‌ویژه صاحبان ولایت مرجع تصمیم‌گیری و حل و فصل اختلافات اجتماعی هستند که باید به آنها مراجعه شود.

البته شکی نیست که برای برطرف کردن اختلاف در قالب پیشگیری بهتر از درمان، باید علل و عوامل آن شناسایی و با آن مقابله شود تا جامعه همواره در اتحاد و وحدت و انسجام اجتماعی به سر برد.

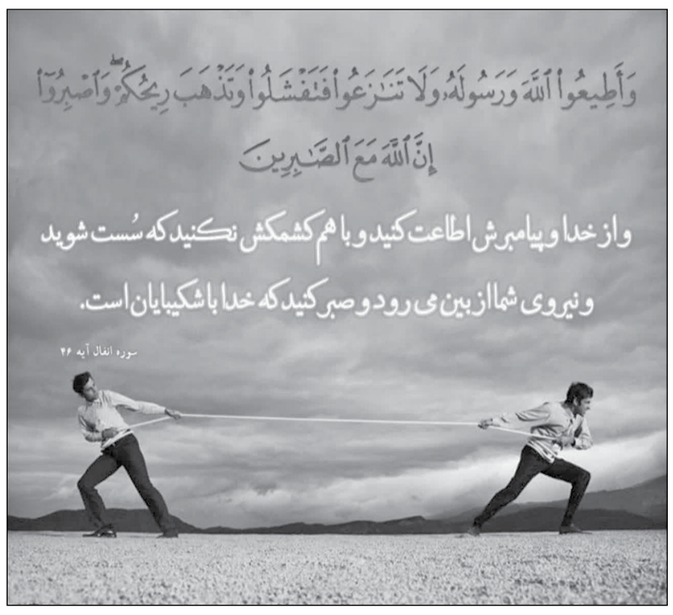

فلسفه و سبک زندگی در قالب آموزه‌های معرفتی و دستوری قرآن بیان شده است و هر فرد از افراد امت باید آن را مد نظر قرار دهد. بر این اساس، کسانی که در عمل اجتماعی با هم اختلاف می‌کنند باید گرفتار یکی از دو انحراف در هدف یا روش باشند؛ به این معنا که یا فلسفه و هدف زندگی اسلامی را نمی‌شناسند یا نمی‌پذیرند یا سبک و روش دستیابی به آن را نمی‌شناسند یا نمی‌پذیرند.

فقدان عزت و شوکت و از بین رفتن اُبهت مؤمنان و مسلمانان، در پی اختلاف و درگیری با یکدیگر یک حقیقت و سنت الهی است. باید این سنت‌های اجتماعی را شناخت و از آنها پرهیز کرد. از نظر قرآن اگر مردم در هنگام اختلاف به رهبران الهی مراجعه کنند یا به اصول الهی پایبند باشند و خدا و رسول را در نظر بگیرند هرگز گرفتار اختلافات نابودگر و زیانبار نخواهند شد.

چراغ راه

آثار فقر بر انسان

قال الامام علی(ع): «یا بنی! انی اخاف علیک الفقر، فاستعذبالله منه، فانه منقصه للدین، مدهشه للعقل، داعیه للمقت».

امام علی(ع) فرمود: فرزند عزیزم! (محمدابن حنفیه) من از فقر بر تو می‌ترسم، از او به خدا پناه ببر. فقر موجب نقصان در دین، فکر را پریشان و دهشت زده و عامل دشمنی و کینه‌ای شدن انسان) می‌گردد.[1]

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۰۷

حکایت خوبان

عمل و عکس‌العمل‌ها بر مبنای شاکله افراد

نقل کرده‌اند که عیسی(ع) روزی بر جماعتی بگذشت، آن جهودان در شأن وی سخنان شنیع گفتند، و عیسی(ع) ایشان را جز ثنا و محمدت هیچ نفرمود. یکی از حواریون سؤال کرد که ای پیغمبر خدا! این الفاظ شنیع را چرا به ثنا و محمدت مقابله می‌فرمایی؟ حضرت در پاسخ فرمود: «کل ما عنده ینفق» هر کس آن چیزی را خرج کند که در درون دارد. چون سرمایه وجودی ایشان بد بود، بد گفتند، و چون در ضمیر من جز نیکویی نبود از من جز نیکویی انعکاس نیافت.[1]

۱- وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۷

پرسش و پاسخ

آثار فقدان عدالت اجتماعی

پرسش:

اگر در یک جامعه‌ای عدالت اجتماعی حاکم و برقرار نباشد، آثار و پیامدهای آن بر مردم آن جامعه چگونه خواهد بود؟

پاسخ:

بدون تردید جامعه‌ای که حقوق مردم محفوظ و جامعه عادل و متعادل باشد و تبعیض و محرومیت و احساس مغبونیت در مردم نباشد، چنین بستری برای بروز و ظهور ارزش‌های متعالی شارع مقدس بیشتر فراهم و آماده است تا اگر جامعه‌ای متعادل نباشد و افراط و تفریط و اجحاف و مغبونیت و ناهمواری و اختلاف طبقاتی و تفاوت‌های بیشتری داشته باشد که در نهایت بستر و زمینه برای تهذیب و تزکیه نفس و خودسازی در چنین جامعه‌ای مهیا نمی‌گردد. در اینجا به طور مشخص این آثار و پیامدها را بررسی می‌کنیم.

الف) تاثیر فقدان عدالت اجتماعی در افکار و عقاید

۱- اعتقاد به بحث و اقبال

جامعه‌ای که از عدالت اجتماعی محروم باشد و افرادی که عمری به سعی و عمل و تلاش و کوشش گذرانده‌اند اما همواره با محرومیت زندگی می‌کنند، اما ازطرف دیگر می‌بینند افراد بیکار و عزیز دردانه‌هایی که از نعمت فراوان برخوردارند و بین هنر و لیاقت و کاردانی با حظ و حق و نصیب و بهره هیچ‌گونه تناسبی نیست، کم‌کم این اختلافات و تبعیض‌های غیرمنطقی که از مشهودات اجتماعی آنها گرفته شده شکل یک فلسفه به خود گرفته به نام فلسفه بخت و اقبال نام همه این بی‌نظمی‌ها، تبعیض‌ها و مظالم را فهمیده تا نفهمیده بخت و اقبال گذاشته‌اند. بنابراین تفکر بخت و اقبال هیچ علتی ندارد جز مظالم و ناهمواری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی. الهام‌کننده این فکر شیطانی، هرج و مرج‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی است. به بیان دیگر هر وقت عدالت اجتماعی متزلزل شود استحقاق‌ها و لیاقت‌ها و حقوق افراد مراعات نگردد، و در مشاغل مختلف و جابه‌جایی‌ها توصیه و ارتباطات قبیله‌ای، جناحی، حزبی و پارتی موثر باشد، فکر بخت و شانس و اقبال قوت می‌گیرد چون معنی بخت این است که هیچ‌چیز شرط چیز دیگر نیست. و این فلسفه پوچ را نه دین و آموزه‌های وحیانی تایید می‌کند و نه منبع عقل و علم و فلسفه، قرآن کریم می‌فرماید: «لیس للانسان الا ما سعی» برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزائی) نخواهد بود (نجم- ۳۹) و در آیه دیگر می‌فرماید: خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن قوم فکر و اخلاق خود و نفوس خود را تغییر دهند. (رعد- ۱۱)

۲- بدبینی به روزگار

کسانی که به عنوان شکایت از روزگار، فحش‌ها و دشنام‌ها به روزگار داده‌اند. تا آنجا که برای روزگار یک نوع کینه و دشمنی مخصوص نسبت به خوبان و نیکان قائل شده‌اند. این روزگار مورد اعتراض در واقع چرخ و فلک و زمین و زمان نیست بلکه روزگار همان گوینده یعنی محیط اجتماعی او است و محیط خاص همان گوینده. بنابراین فقدان عدالت اجتماعی یک نوع بدبینی و سوءظن نسبت به دستگاه خلقت و آفرینش پیدا می‌کند که بنای روزگار بر ظلم به خوبان و نیکان و یک نوع عداوت و کینه نسبت به آنها می‌باشد.

ب) تاثیر فقدان عدالت اجتماعی در فساد اخلاق

اخلاق خوب و بد هم مثل همه مؤلفه‌های دیگر دنیا سبب و علتی دارد. سرشت و طینت موثر است، تلقینات محیط موثر است و یکی دیگر از اموری که قطعا هم تاثیر دارد و اخلاق را فاسد کرده و روحیه را مسموم و بیمار می‌کند، محرومیت‌ها و مغبونیت‌ها است. حسادت‌ها، کینه‌ها، عداوت‌ها، بدخواهی‌ها همه از همین جا نشأت می‌گیرد. البته ایمان قوی جلوی تاثیر بسیاری از عوامل را در روح می‌گیر